

به مناسبت سالگرد جنگ هشت روزه

بزرگ‌ترین شکست اسرائیل از مقاومت فلسطین

در آبان ۱۳۹۱ جنگ هشت روزه غزه رخ داد. در این جنگ اسرائیل ابتدا حملات هوایی به غزه را آغاز کرد اما به دلایل پاسخهای کوبنده فلسطینی‌ها متحمل سخت‌ترین شکست در سالهای اخیر شد و جرأت حمله زمینی پیدا نکرد.

حملات رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه به دنبال ترور «احمد الجعبری» معاون فرمانده گردان‌های القسام حماس نظامی حماس آغاز شد. الجعبری یکی از شخصیت‌های برجسته حماس و از موسسان و عاملان مهم شکل‌گیری گردان‌های موشکی و فردی بود که در جریان اکرات رژیم صهیونیستی با حماس برای آزادی «کلنلد شالیت» تک اسنیر این رژیم در نزد مقاومت فلسطین موفق شد شروط مقاومت را به تل آویو تحمیل کرده و در مقابل آزادی شالیت هزار و ۲۷ اسیر فلسطینی در بند زندان‌های این رژیم را طی دو مرحله از زندان آزاد کند که این امر برای مقاومت فلسطین پیروزی بزرگی محسوب می‌شد. پس از ترور الجعبری، رژیم صهیونیستی که این عملیات را دستاورد بزرگی برای خود می‌دانست، حملات گسترده هوایی علیه نوار غزه را آغاز کرد و طی هشت روز حملات ۱۶۳ فلسطینی را شهید و هزار و ۳۰۰ فلسطینی را زخمی کرد.

رژیم صهیونیستی در حملات خود همچنین به مساجد و اماکن عبادی فلسطینیان نیز رحم نکرد و ۲۵ مسجد و نیز قبرستان‌های زیادی را تخریب کرد.

در مقابل همه این تجاوزات صهیونیست‌ها، گروه‌های مقاومت فلسطینی نیز به مقابله پرداخته و در راستای دفاع از ملت فلسطین پاسخ دندان‌شکن و کوبنده‌ای به صهیونیست‌ها دادند که سران این رژیم را غافلگیر کرد. بر خلاف جنگ‌های قبلی، جنگ هشت روزه با وجود مدت زمان اندک، خسارت‌های قابل توجهی به دشمن وارد کرد. در این جنگ گروه‌های مقاومت برای نخستین بار شهرهای تل‌آویو و بیت‌المقدس را هدف شلیک موشک‌های فجر ۵ قرار دادند که وحشت زیادی در میان صهیونیست‌ها ایجاد و زندگی طبیعی در این شهرها را مختل کرد.

مقاومت همچنین موفق شد یک بالگرد نظامی و دو هواپیمای رژیم صهیونیستی را در آسمان غزه با موشک‌های خودهوایی و دو ناوچه این رژیم را در ایهای غزه هدف قرار دهنه که خود همین موفقیت‌ها باعث شد مقاومت در عرصه جنگ روانی علیه دشمن پیروز شود. همچنین شلیک بیش از ۱۵۰۰ موشک و خمپاره به سمت شهرها و شهرک‌های صهیونیستی باعث شد که پنج میلیون صهیونیست به پناهگاه‌ها بروند. «شائول موفاز» معاون نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی و رهبر جناح مخالف در این رژیم اذعان کرد که «حماس در این دور پیروز شد و اسرائیل بزرگ‌ترین شکست را خورده است».

روزنامه صهیونیستی «یسرائیل هیوم» فاش کرد که طی یک هفته در آغاز تهاجم رژیم صهیونیستی به نوار غزه، یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار به اقتصاد این رژیم خسارت وارد آمده است.

سرانجام پس از هشت روز تهاجم رژیم صهیونیستی و مذاکرات انجام شده در قاهره، تل آویو به شروط مقاومت تن داد و آتش‌بس بین حماس و رژیم صهیونیستی وارد مرحله اجرایی شد.

همانگونه که گفته شد در این جنگ تل آویو نیز نخستین بار مورد اصابت موشک قرار گرفت. متعاقب اینجنگ تل آویو رژیم صهیونیستی اصرار بسیاری بر آتش بس نمود و با ذلت هر چه تمام‌تر تن به آتش بس داد. در این جنگ برای اولین بار اسرائیل که بر اثر حمله موشکی به تل‌آویو دستپاچه شده بود عاجزانه تقاضای آتش بس می‌کرد و در مقابل نیروهای مقاومت برای این کار شرط می‌گذاشتند.

رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

«این مسئله اخیر فلسطین، خیلی مسئله مهمی است. بین غزه و بین دولت صهیونیست که مدعی است قوی‌ترین ارتش را در منطقه دارد، هشت روز جنگ اتفاق می‌افتد، آنگاه وقتی می‌خواهند آتش‌بس ایجاد کنند، آن طرفی که برای آتش‌بس شرط می‌گذارد، فلسطینی‌هایند! این باور کردنی است، ده سال پیش اگر به شما این حرف را می‌زدند، چه کسی باور می‌کرد که یک روزی بین فلسطینی‌ها- همه همه فلسطینی‌ها؛ یک گوشه‌اش از فلسطینی‌ها، غزه- و بین رژیم صهیونیستی جنگی اتفاق بیفتد، برای آتش‌بس آن جنگ، فلسطینی‌ها شرط بگذارند؟ افرین بر فلسطینی‌ها! افرین! افرین بر حماس و جهاد و گردانهای مبارزی که در فلسطین، در غزه جنگیدند و شجاعت نشان دادند! شجاعت این است. من به سهم خودم از همه مبارزین فلسطین تشکر می‌کنم.»^[۱]

در این پیروزی جمهوری اسلامی ایران نقش مهم و تأثیر گذار و آشکاری داشت به گونه‌ای که دشمنان نیز به این واقعیت اذعان کردند.

رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرماید:

«در زمینه سیاسی در منطقه، قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی را یک بار دیگر تجربه کردند. در مسائل منطقه‌ای کار به جایی رسید که اعتراف و اقرار کردند که بدون حضور ایران و بدون رأی ایران، هیچ مشکل بزرگی در منطقه حل نخواهد شد. در قضیه حمله رژیم صهیونیستی به غزه، حضور قدرتمند جمهوری اسلامی در پشت صحنه موجب شد که خودشان اعتراف کردند که در مقابل مبارزان فلسطینی شکست خورده‌اند، گفتند - ما ننگفتیم، آنها گفتند و اصرار کردند - که اگر چنانچه حضور جمهوری اسلامی نبود، قدرت‌نمایی جمهوری اسلامی نبود، مبارزان فلسطینی نمی‌توانستند در مقابل اسرائیل مقاومت کنند، چه برسد به این که اسرائیل را به زانو دربیاورند؛ که در جنگ هشت روزه فلسطینی‌ها توانستند اسرائیل را به زانو در بیاورند. این اولین بار در تاریخ تشکیل رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی بود.»^[۱]

در این جنگ نیروهای مقاومت با موشک‌های ایرانی فجر۵ نقاط مختلف اسرائیل و تل آویو را مورد اصابت قرار دادند. سردار جعفری فرمانده سپاه پاسداران در مورد انتقال این موشکها به غزه گفت: «ایران برای کمک به مسلمانین و مظلومان جهان برای مقابله با زورگویان و نظام استکباری کمک تکنولوژیکی و فناوری دارد و کاری هم در غزه انجام دادیم بر همین منوال است. … ما این موشک‌ها را بطور مستقیم به غزه نفرستادیم بلکه فناوری ای از ایران به مقاومت منتقل شده است.»^[۲]

در حالی که اسرائیل بارها ایران را تهدید به حمله به تأسیسات هسته‌ایش کرده بود و تن غزه شاهد فرود آمدن موشک‌های ایران در گوشه و کنار اسرائیل و حتی فرود آمدن صهیونیستی به خوبی می‌تواند عین این تهدید رهبر انقلاب را در کک کند که:

«رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌های نیست که در صف دشمنان ملت ایران به چشم بیاید. گاهی سردمداران رژیم صهیونیستی، ما را تهدید هم می‌کنند؛ تهدید به حمله نظامی می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد دشمن هم می‌دانند، و اگر نمی‌دانند، بداندن که اگر غلطی از آنها سر بزند، جمهوری اسلامی «تل‌آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد.»^[۲]

پی‌نوشت‌ها:

۱- بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۹/۲۱/۱۳۹۱.

۲- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱/۱۰/۱۳۹۲.

۳- بررسی نقش ایران در جنگ ۸ روزه فجر ۵ ایرانی کاپوس رژیم صهیونیستی، ۲۰۱۲، سایت آی آر ارتش.

۴- بیانات در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۲، ۱/۱۰/۱۳۹۲.

اشاره:

قافله عشق در حرکت است، قافله‌ای مملو از انسان‌هایی که رنگ و بوی خدا را دارند، شهیدان مدافع حرم نیز از قافله عشق جدا نمانده و خود را به این قافله رساندند و سبیک بال در کنار پروردگارشان آرام گرفتند. شهید قدیر سرلک فرمانده گردان امام حسین(ع) یکی از این شهیدای مدافع حرم است که برای اجرای عملیات مستشاری به منظور دفاع از حرم حضرت زینب (س) و مبارزه با گروهک‌های تروریستی به سوریه رفته بود سرانجام در روز سیزدهم آبان سال جاری در حومه حلب به دست تروریست‌های داعش به شهادت رسید. او که از ساکنان قدیمی محله شهرک رضویه بود با شهادت خود شوک بزرگی را به دوستان و هم محلی‌های خود داد، به طوری که انگار خبر شهادت او رنگ و بوی این محله را عوض کرد و همه جا غرق در ماتم شد، فقدان او در باور دوستانش نمی‌گنجد و تحملش را برایشان سخت کرده است. جسم این شهید بزرگوار طی مراسمی باشکوه در گلستان شهدای یادگشت آرام گرفت. مراسم این شهید بزرگوار در مسجد امام سجاد(ع) شهرک رضویه بر گزار شد. همچنین خانواده سردار شهید همدانی برای تسلی دل خانواده شهید سرلک به منزل این شهید بزرگوار آمدند. به همین بهانه با خانواده، نزدیکان، دوستان و همرزمان شهید سرلک، گفت و گو کردیم.

گفت وگوی کیهان با خانواده، همرزمان و دوستان شهید مدافع حرم؛ قدیر سرلک

تنها آرزویش شهادت بود

هر چیزی که نوید شهادت می‌داد قدیر را خوشحال می‌کرد

عبدالحسین سرلک (پدر شهید): تمام ۲۳ سال عمر قدیر خاطره است، به یاد دارم وقتی به تازگی دلبلم گرفته بودم، آمد و از من حلاکت طلبید و اجازه گرفت به کربلا برود، همان روز رفت. من باورم نمی‌شد که به تنهایی بروم،عاشق امم حسین و اهل بیت بود و همیشه آرزوی کربلا را در سر داش.

در تمام این مدتی که قدیر در یادگان‌ها و هیئت‌ها فعالیت می‌کرد فقط به دنبال راه شهادت بود، راه قدیر از راه ما جدا و آرزویش فقط شهادت بود. او کسی بود که تحت هیچ عنوانی از بیت المال استفاده نمی‌کرد حتی همسرش را سوار ماشین بیت المال نمی‌کرد.

خیلی برای کارهای یادگان تلاش می‌کرد، گاهی من می‌گفتم مگر شما یادگان را کنترت گرفته‌ای که جای چند نفر کار می‌کنی؟ می‌گفت؛ پدرجان من که روز در هفته را به دانشگاه می‌روم باید در طول هفته آن قدر سر کار بمانم و کار کنم که آن یک روز را جبران کنم تا تقمعی که به خانه می‌آورم حلال باشد. به یاد دارم که یک روز قدیر پیش من آمد و گفت وقتی سردار کاظمی می‌خواست به ماموریت برود من رفتم و با ایشان عکس گرفتم، سردار کاظمی گفت بچه‌ما من که شهید نشدم اما هر کسی که با من عکس گرفته شهید شده است، هر چیزی که نوید شهادت می‌داد قدیر را خوشحال می‌کرد.

مادر شهید: همیشه می‌گفت مادر برای برآورده شدن آرزوهایم دعا کن، آرزوی من شهادت است دعا کن که شهید بشوم، آخرین باری که با من تماس گرفتم پرسیدی؛ کجایی؟ ما خیلی چشم انتظارت هستیم خیلی دلتنگش می‌شدم؛ هر سوالی که از قدیر می‌پرسیدم فقط می‌گفت توکل بر خدا. به آن گفت که کجاست و کجا خدمت می‌کند، ما از همه کارهای قدیر بی‌اطلاع بودیم.

فقط می‌گفت در گمرکار سربازها را آموزش می‌دهد.

همیشه به من و پدرش احترام می‌گذاشت و وقتی ما داخل اتاقی می‌شدیم به احترام ما تمام قد می‌ایستاد دست ما را می‌بوسید. حتی گاهی بامی من را می‌بوسید.اخلاقیات بسیار خوبی داشت و هرگز در این سال‌ها ما را رنجیده خاطر نکرد.

همسر شهید: شهادت به ندزی که دو سال پیش با رفقایش کردند برمی‌گردد؛ یک هیئت، زیارت عاشورا برپا کردند و فقط از اهل بیت (علیهم السلام) شهادت را طلب می‌کرد. همیشه دعای بعد از نماز هایش این بود که مرگش با شهادت رقم بخورد. یکی از خصوصیات اخلاقی بارز شهید این بود



حضور گسترده مردم در تشییع شهید سرلک

که در کارهای اخلاص زیادی داشت و معتقد بود که هر کاری را باید به نحو شایسته انجام دهد.

قولی که به سردار همدانی داده بود

پیمان سرلک (برادر شهید): این دو بار آخری که آقا قدیر سوریه می‌رفت من در جریان بودم. دفعه اول روز، با برگشته بود گوشش در انفجار آسیب دیده بود. پدر و مادرم از این جریان اطلاع نداشتند. برگشته بود که گوشش را درمان کند، اما هنوز گوشش بطور کامل خوب نشده بود که می‌گفت، می‌خواهم برگردم. من سرگفتم؛ «تو دین خود را ادا کردی! ما بعد از فوت برادرمان داوود، دوران بدی را سپری می‌کردیم؛ پدر و مادر و همسر خیلی نگران تو هستند». هر چه می‌گفتم متصرف نمی‌شد. فقط می‌گفت من باید بروم. در همین اوضاع و احوال بود که آپاندیسش עוד کرد و آپاندیسش را عمل کرد. هنوز بخیه‌هایش را نکشیده بود که می‌گفت باید بروم. فقط حرف رفتن را می‌زد. وقتی من مخالفت می‌کردم می‌گفت ما اگر تنها جنگیم باید در مرزهای خودمان جنگیم و این بار آخری بود که رفت و به شهادت رسید.

خواهر شهید: آن زمانی که آقا قدیر آپاندیسش را عمل کرده بود ما یک هفته پیش ایشان بودیم. بعد از یک هفته که کمی حالتش بهتر شده بود به خانه خودشان رفت. فریاد آن روز، با وجود آنکه من بمانم و هر وقت که کار تمام شد برپرسم. گفت؛ در راه سرکار هستم. گفتم مگر بخیه نداری برادرم، بخیه‌ها عفونت می‌کند. گفت نه خواهر جان بدمجان بم آفت ندارد!

مهدی سرلک (برادر همسر شهید): همیشه هر کاری می‌خواستیم انجام بدهم با آقا قدیر مشورت می‌کردم، منم روز قبل از شهادت با ایشان تماس گرفتم پرسیدم که چه زمانی برمی‌گردید، عکسی که با سردار همدانی داشتند را برای ما فرستاد و گفت؛ «من کارهای زیادی اینجا دارم، سردار همدانی قبل از اینکه به شهادت برسد به من گفت که بمانم و بچه‌ها را تنها نگذارم، من هم به سردار همدانی قول داده‌ام که بمانم و هر وقت که کار تمام شد بر برگردم». از خواهرم شنیدم که قدیر مجروح شده، دوباره تماس گرفتم و حالش را پرسیدم گفتم دستت چطور است؟ گفت؛ چیزی نیست، حضرت ابافضل هر دو دست‌شان را دادند من که فقط یک دستم مجروح شده‌ام گفتم آقا قدیر برگرد! پدر و مادرت چشم انتظار هستند. گفت؛ اگر الان برگردم حضرت زینب(س) ناراحت می‌شود.

همیشه از شهادت صحبت می‌کرد، همیشه سرر نماز برای شهادت دعا می‌کرد و همه آرزوی او شهادت بود. به حال و حرام خیلی اهمیت می‌داد، هیچ وقت به بیت المال خیانت نمی‌کرد. حتی من یک بار پیاده بودم و شهید سرلک سوار بر موتور سواری بودم، به او گفتم مرا برسان گفت پیاده بیا، این موتور بیت‌المال است و من نمی‌توانم در قیامت جواب بدهم. اقا قدیر شهید نمی‌شد باید تعجب می‌کردیم.

قدیر خیلی ولایتی و پیرو خط امام بود. هیچ کس نمی‌دانست قدیر کجا می‌رود. من که از موضوع خیر داشتم یک بار گفتم تا کی می‌خواهی به اسم

moghaavemat@kayhan.ir



مرگ انسانها زمان مشخصی دارد؛ اگر زمان مرگ کسی فرآ برسد هر جایی که باشد این امر اتفاق می‌افتد. اما بعضی از آدم‌ها چه خوب بهشت را می‌خرند، برای رزندگان لشکر ۲۷ تَنگ آور است که در بستر، از دنیا بروند. برای رزندگان تَنگ است که بعد از چندین سال خدمت صادقانه به انقلاب با تصادف یا هر پنهان دیگری از دنیا بروند.

اقدام داوطلبانه شهید برای اعزام به سوریه

نقی احمدی (همرزم شهید): در طول چهار سال همکاری در لشکر عملیاتی ۲۷ هم محمد رسول الله(ص)، روحیه، پشتکار، احساس مسئولیت و جدیت بالایی که نسبت به وظایف خود داشت، او را از دیگران متمایز می‌کرد.

با اطرافیان به خوبی و متواضعانه رفتار می‌کرد، زمانی که از شهید سرلک درخواست کمک می‌شد با تمام وجود سعی و تلاش خود را برای کمک به همکاران به کار می‌گرفت و از کاری که در توانش بود دریغ نمی‌کرد.

به شهادت عشق می‌ورزید، در انجام تکالیفش کوتاهی نمی‌کرد، اهتمام به نماز اول وقت بیان‌کننده همین امر بود، که به ادای اول وقت این فریضه مقدس بسیار اهمیت داده و دیگران را به این امر سفارش می‌کردند.

در ابتدا شهید سرلک قصد داشت از طریق گردان ادوات به سوریه یا عراق اعزام شود اما این امر میسر نشد و به قول معروف، به صورت خودجوش از طریق فرارگاه امام حسین(ع) تلاش و بی‌گیری خودشان، قبل از اینکه این لشکر، نیرو به سوریه برغستند به سوریه رفت؛ و اولین فردی بود که از این لشکر به سوریه رفت. یادم می‌آید که در آن موقع که با شهید برخوردی داشتم با شوق و خوشحالی گفت که از ادوات توانستم بروم ولی بالاخره خودم برای اعزام نامه گرفتم. خندیدم و گفتم که ان شالله موفق باشید، لیکندی زد و گفت ان شالله شهید بشویم! **مهدی عباسی (دوست شهید):** یکی دوستان بسیجی قدیمی که همیشه به این مقایسه افتخار می‌کردم و از صحبت با او لذت می‌بردم قدیر بود افتخار داشتم که در حقیقت رده‌های مختلف بسیج، یا او همکاری کنم. شهید سرلک هم علیرغم پاسدار بودن و داشتن مراتب بالای آموزشی و نظامی، همیشه با صبر و تواضع با همه بچه‌های بسیجی همکاری می‌کرد. لوح همکاری بنده در قدیر در سالهای ۸۶ تا ۸۹ بود. در زمان در گردان عاشورای حوزه ۹۲۸ باهم همکاری داشتیم. از خصوصیات بارز قدیر، می‌توان به بصیرت بالای او، ولایت پذیری، تواضع، خون‌گرمی، عدم تکبر و همچنین دستگیری از مستمنان یاد کرد.

در خصوص بصیرت و ولایت پذیری او یاد خاطراتی افتادم که مربوط به فتنه سال ۸۸ است که تهران در توت و تاب بود و برخی از افراد قدرت تشییع حق از باطل را از دست داده بودند. او با صلابت از آرمانهای انقلاب ورهبری دفاع می‌کرد و در اکثر اغتشاشات آن سال برای مقابله با فتنه‌گران حضور مستمر داشت.

در خصوص قدیر که مستحله من به یاد خاطراتی افتادم؛ از آنجا که بنسند با یک صندوق خیریه در محلته همکار می‌کردم لذا قدیر خیلی وقتها پیش ما می‌آمد و برخی افسردار را برای گرفتن وام به ما معرفی می‌کرد. گاهی پیش می‌آمد که معرفی‌های ایشان از نظر پرداخت اقساط دچار مشکل شده و اقساط را پرداخت نمی‌کردند. لذا خود قدیر به عهده می‌گرفت و اقساط آنها را پرداخت می‌کرد.

یک روز گفتم قدیر تو چقدر درآمد داری که این‌ها را هم خودت پرداخت می‌کنی؟ با توجه به اینکه قبلا هم برابم تعریف کرده بود که جاهای دیگر هم ضامن شده قسط نداده بودند و از حقوقش می‌کردند خندید و گفت؛ اتفاقا چند روز پیش یکی از رفقا می‌گفت که شما پاسدارها حقوق‌های خوبی دریافت می‌کنید. به او گفتم که این طور نیست. دیدم باور نمی‌کند! فیش حقوقی ام را نشان دادم. باز باور نکرد و گفت: شما یک مبلغی را می‌گیرید که در فیش حقوقی ثبت نمی‌کنند، من هم گفتم بله شما درست می‌گویید که چیزی ما درحقوقمان داریم که در فیش قید نمی‌شود آن هم شرکت است.حقوق ما پرپرکت است و خدا را شکر با همان درایتی که هم، زندگیمان می‌چرخد.

اربعین پارسال که برای زیارت امام حسین (ع) مشرف به عتبات شدیدم حرم امیرالمومنین(ع) با قدیر مواجه شدم. زمانی که پس از نماز صبح از درب باب القلعه در حال خارج شدن بودیم ایشان را دیدم که درحال جلوگیری از هجوم زوار به داخل حرم بود تا ازان زائرانی که پس ازافعه نماز جماعت صبح در حال خروج از حرم بودند محافظت کند.

در آن لحظه که هر کس به فکسر خود بود تا بتواند به داخل برود یا خارج شود، قدیر آنجا هم در حال ایثار و کمک به مردم بود و برای آسیب ندیدن زوار از جان خود مایه می‌گذاشت.

اخلاص و وفای به عهد و یزگی بارز شهید بود

اکبر ملکی (دوست شهید): از ویژگی‌های بارز شهید بزرگوار قدیر سرلک اخلاص ایشان بود. حضور این شهید بزرگوار در هیئات مذهبی و پایگاه‌های بسیج با حضور دیگر عزیزان متفاوت بود شهید سرلک سعی می‌کرد همیشه با وضو وارد جلسات ابعابالله‌الحسین(ع) شود. حضور قلب ایشان در جلسات کاملا احساس می‌شد.

به نماز اول وقت بسیارمقید بود، یکی از خاطراتی که بنده از ایشان دارم این است، زمانی که صدای اذان بلند می‌شد این شهید از همه زودتر وضو می‌گرفت و برای نماز آماده می‌شد. خدمت به مردم و خدمت به خداوندی کردن از آنها از دیگر ویژگی‌های بارز این شهید بود، همین اواخر یکی از دوستان از ایشان تقاضای کمک کرده بود با اینکه برای این شهید بزرگوار سخت بود اما آن فرد را نا امید نکرده و هر کمکی که می‌توانست انجام داد تا مشکل فردی که از او درخواست کرده بود حل شود. این ویژگی‌ها می‌تواند برای ما الگو باشد چرا که در شرایط راهی اثر طری کرده‌اند که آخرتی جز سعادت نداشت. شهدای امروز ما که خودشان را فدای حضرت زینب(س) می‌کنند کسانی هستند که مقام امام را درک نکرده‌اند، اصحاب کربلا در کنار امام بودند و امام را درک کردند بعضا حضرت اباعبدله در کربلا حالات افراد را به این نشان می‌دادند اما عملیات مدافع حرم امروز حضور ظاهری مردم را درک نکردند اما از عمق جان بصیرت و شناختی بسیار بالا داشتند همان طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند وظیفه اصلی ما در این دوره شناخت دشمن و داشتن بصیرت است مدافعین حرم با بصیرت کامل در صحنه حاضر شدند.

علی فیروزی (دوست شهید): شهید سرلک برخلاف برخی جوانان امروز که کار خود را هم به گردن دیگران می‌اندازند، در کار کردن بسیار فعال بود، معرفت از اخلاق و رفتار شهید سرلک می‌بایرد من همچون قدیر بسیار کم دیدم. همیشه تلاش می‌کرد به دیگران احترام بگذارد.

بچه‌های محل را در پایگاه بسیج دور هم جمع می‌کرد می‌گفت ما باید کاری کنیم که این بچه‌ها دلخوشی داشته باشند و این کار را ادامه دهند، پایگاه بسیج محیط سالمی دارد و ما باید بچه‌ها را جذب بسیج کنیم.

به وفای به عهد بسیار پایبند بود، اگر قرار بود کاری را انجام دهد حتما به موقع انجام می‌داد، بسیار امریه معروف و نهی‌زمنکر می‌کرد، هر جا که مورد خاصی می‌دید با مهربانی و عطوفت تذکر می‌داد. در تذکر دادن با هیچ کس رودربایستی نداشت.

درحال مجروحیت هم خط مقدم را رها نمی‌کرد

حسین خدادادی (دوست شهید): عاشورای سال ۸۸ بود که برادران

صفحه ۸

یکشنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۴

۳ صفر ۱۴۳۷ - شماره ۸۱۲۰۸

یک شهید، یک خالصه

نامه

قبل از رفتن، نامهای سرپسته نوشته و به بقال محل داده بود؛ به او گفته بود: «میرزا! بعد از شهادتم این کاغذ رو تو محله تکثیر کن و یک نسخه هم به دست مدرم برسان.»

چهل روز بعد، وصیت‌نامه‌اش در دستان مادر و اهالی محل دست به دست می‌چرخید.

خاطره‌ای از شهید جواد گلملکار کرمانی

راوی: مادر شهید

روزشمار دفاع مقدس

۲۳ آبان ۵۹

تهاجم ارتش صدام به سوسنگرد: دشمن از چند روز قبل، شهر سوسنگرد را هدف بمباران قرار داده بود. تا اینکه روز ۲۳ آبان این حملات شدت بیشتری یافت و ابوخیطه ک روستایی در پنج کیلومتری سوسنگرد است، به تصرف ارتش بعث در آمد.

۲۴ آبان ۶۵

آغاز عملیات نامنظم فتح ۴، در جبهه شمالی، منطقه زاخو-دهوک عراق: با تلاش رزمندگان نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (قرارگاه رمضان)، که به انهدام مراکز و تأسیسات نظامی و دولتی عراق و سرنگونی یک بالگرد و انهدام دهها تانک و خودرو نظامی انجامید.

۲۴ آبان ۶۶

عملیات نصر ۱۸: عملیات در شمال سلیمانیه، توسط سپاه انجام شد. تصرف ارتفاع کرده رش، کشته و زخمی شدن حدود ۳۰۰ تن از نیروهای دشمن و به اسارت در آمدن ۲۰۰ تن از نیروهای دشمن از نتایج این عملیات بود.

۲۵ آبان ۵۹

حماسه شهید سوسنگرد: استقامت قهرمانه مردم این شهر در برابر بعثیان.

۲۵ آبان ۶۶

آغاز عملیات نامنظم ظفر ۳، بارمز «با رسول الله (ص)»، در جبهه شمالی، منطقه دربندیک عراق، با تلاش رزمندگان نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (قرارگاه رمضان)، که به انهدام پایگاه‌ها و تأسیسات مرکز پشتیبانی و نیروگاه سد دربندیکان و سقوط یک بالگرد و انهدام ۱۰۵ دستگاه از انواع خودرو نظامی عراق انجامید.

۲۶ آبان ۵۹

سالگرد شکست محاصره سوسنگرد: با مقاومت قهرمانانه رزمندگان اسلام و حمله مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درعملیات شکوهمند آزادسازی سوسنگرد، محاصره این شهر شکسته شد و نیروهای اشغالگر بعضی با دادن تلفات بسیار گریختند.

۲۶ آبان ۶۳

شهادت مهدی زین الدین، از فرماندهان قهرمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در جبهه‌های حق علیه باطل.

دادن اعتبارات جدید از سوی انگلیس به عراق.

۲۷ آبان ۶۶

انضمام پنجمین عملیات هوایی عراق، برای نابودی نیروگاه اتمی بوشهر.

۲۸ آبان ۶۶

آغاز عملیات نامنظم ظفر ۴، بارمز «با رسول الله (ص)»، در جبهه شمالی، منطقه استان دهوک، با جانفشانی دلاوران نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (قرارگاه رمضان)، که به انهدام تأسیسات نظامی و تأسیسات انتقال برق سد دهوک و چند مرکز دولتی عراق انجامید.

۲۹ آبان ۶۶

آغاز عملیات نصر ۱۸، بارمز «با محمد بن عبدالله (ص)»، در ماووت، با تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، که به آزادسازی شهر ماووت و چندین ارتفاع و روستا و پایگاه دشمن، انهدام دهها دستگاه تانک و نفربر و کشته و زخمی شدن حدود ۲ هزار عراقی انجامید.

یک عکس - یک نگاه

«شهید محراب» حزب الله



(ابو مرتضی)

ابومرتضی، مأمور امنیتی حزب الله لبنان بود که در انفجارهای تروریستی میروت در روز پنجشنبه ۲۱ آبان با فنا کردن جان خود و کودک خرد سالش از قتل عام نمازگزاران به دست تکفیری‌های جلوگیری کرد.

آشوبگران روبه رو شدید.

سیزده یا چهارده نفری بودیم که میدان فردوسی به پایین را بستیم و نگذاشتیم اغتشاش‌گران به سمت بالا بروند.آن روز رفقا با دست خالی صف کشیدیم و گفتند که هر جوری شده نمی‌گذاریم از ما رد بشوند که دیدیم سنگ پرانی شروع شد. در آن روز، بصیرت، موفقیت‌سنجی و شجاعت برادران سرلک مثال زدنی بود.

علی طاهری (همرزم شهید): شهید سرلک یکی از بهترین‌های آموزش ادوات به نیروها بود؛ به بهترین شکل ممکن موضوع را برای نیروها جا می‌انداخت و در صورتی و حوصله فردی زبانزد بود. شهید قدیر سرلک به دنبال شهادت بود، حتی زمانی که دستش تیر خورده ودوتا از استخوان‌های دستش خرد شده بود اما با خط مقدم را رها نکرد شهیدی که از آرزوی شهادت را با تمام وجود دنبال می‌کرد سرانجام به آرزوی خود رسید. **سعید شتربانی (دوست شهید):** سالهای زیادی است که قدیر را می‌شناسم؛ بچه هیبتی و بسیجی مخلص بود، هر وقت هر کسی از قدیر کمک می‌خواست بدون درنگ انجام می‌داد. هر کاری که پیش می‌آمد همیشه پیش‌قدم بود. در برنامه‌های هیئت، همیشه خود را خادم اهل بیت می‌دانست. کاری که به این شهید می‌سپردند تا انجام نمی‌داد از یا نمی‌نشت.خستگی‌ناپذیر بود و شبانه روزی تلاش می‌کرد. ارتباط خیلی خوبی با جوانان داشت، شادابی و نشاط خاصی در سهره اش نمایان بود و بسیار بخورود و خوش اخلاق بود که این ویژگی‌ها سبب جذب جوانان به او می‌شد.

قبل از اینکه از لشکر محمدرسول الله(ص) نیرو اعزام شود، از جای دیگر به صورت داوطلبانه برای رفتن به سوریه اقدام کرده بود. به خاطر دارم که بار یک برای انجام کاری ما بودم. هنگام خادخافتی گفتم؛ من بعد از ماه رمضان دارم به سوریه می‌روم، بوم، همیشه خود را خادم اهل بیت می‌دانست. کاری که برگردی. گفتم؛ فکر نمی‌کنم این باری که بروم برگشتی در کار باشد.

^[1] شهید سرلک به نماز اول وقت بسیارمقید بود، یکی از خاطراتی که بنده از ایشان دارم این است، زمانی که صدای اذان بلند می‌شد این شهید از همه زودتر وضو می‌گرفت و برای نماز آماده می‌شد

^[2] خدمت به مردم و خدمت به خداوندی کردن از آنها از دیگر ویژگی‌های بارز این شهید بود، همین اواخر یکی از دوستان از ایشان تقاضای کمک کرده بود با اینکه برای این شهید بزرگوار سخت بود اما آن فرد را نا امید نکرده و هر کمکی که می‌توانست انجام داد تا مشکل فردی که از او درخواست کرده بود حل شود